

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیع
سردبیر: جواد دلیری

اذان ظهر ۱۳/۰۲ | اذان مغرب ۳۵/۲۰ | نیمه شب شرعی ۰۵/۱۰ | اذان صبح فردا ۴/۰۶ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۰

امام باقر علیه‌السلام: براستی که خداوند عزوجل برای شرق‌فل‌هایی گذارد و کلید آن قفل‌ها را شراب قرار داد و دروغ از شراب بدتر است.

سخن روز

کافی(ط-الاسلامیه)ج ۲،ص ۳۳۹،ج ۳



#زاگرس در آتش

می‌گویند ببینید در استرالیا هم همین شد و کاری از کسی ساخته نبود!»، «محیط زیست ما، زمین ما، خونه ما روز به روز بیشتر از بین می‌یره»، «از ساعتی پیش دو فرزند بالگرد در حال بردن نیروها به ارتفاعات منطقه حفاظت شده خائیز در بهبهان هستند در عین حال نیروهای مردمی از نبود امکانات اولیه برای اطفا در ارتفاعات به مانند آتش کوب و دمنده تلخی که در زاگرس افتاده جلب کنند. کمبود امکانات، بی‌توجهی بعضی مسئولان و از بین رفتن هکتارها جنگل و حیوانات مختلف مسأله‌ای بود که به آن پرداخته شد و عکس‌ها و فیلم‌های زیادی را هم از این اتفاقات در شبکه‌های اجتماعی دیدیم: «زاگرس در ۵ استان کشور در حال سوختن است و یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های محیط زیستی پیش روی ایران! پیش از آنکه از این دیرتر شود زاگرس را دریاپید»، «منابع آب ایران اکنون در خطر جدی است، اگر آتش‌سوزی‌های زاگرس ادامه دار باشد باید منتظر سیلاب‌ها و خسارت بیشتر، شسته شدن خاک‌ها و افزایش رسوبات در مخازن سد‌ها و کوتاه شدن عمر مفید و تولید

نشدن برق در تابستان‌ها

باشیم. از همه مهم‌تر

آبی برای انتقال باقی

نخواهد ماند!»، «می‌دانم

چشمانمان عادت کرده،

به خود می‌گویم دست

کم چشمانت عادت نکند.

حتی نمی‌دانم از چه کسی

باید مطالبه کرد! پس فردا

هم سازمان محیط زیست



شهروند مجازی

مبارزه با نژادپرستی در امریکا

اتفاقاتی که در امریکا بعد از کشته شدن یک شهروند سیاهپوست به دست پلیس می‌افتد توجه همه جهان را به خود جلب کرده است. عکس‌ها و فیلم‌هایی از تظاهرات، به آتش کشیدن مکان‌های مختلف توسط مردم و برخوردهای پلیس منتشر می‌شود و امریکا به‌دلیل سیاست‌هایش مورد انتقاد قرار می‌گیرد: «مثال‌های خشونت‌پلیس در امریکا و کشورهای دیگر زیاد است اما تقریباً در هیچ مثال مشابهی پلیس در نظار عمومی یک فرد بی‌پناه را تا خود مرگ شکنجه نکرده است. قتل آشکار و دردناک جرج فلوید دیگر فقط مسأله سیاهپوستان امریکا نیست، چرا که نژادپرستی مرز نمی‌شناسد و محدود به نژاد

نیست.»، «با دو دوست در

سینت پال و مینیاپولیس

در ایالت مینه‌سوتا که در

تظاهرات شهرهایشان

برای جرج فلوید شرکت

داشتند صحبت می‌کردم.

وضعیت خوب نیست.

تظاهرات اول آرام بوده

و بعد به خشونت کشیده

شده. آتش‌سوزی، تخریب



پیگیری می‌کنم!»،

حل مسأله اقباس سینمایی در ایران با یک راه‌حل ساده

سعید عقیقی: با انتخاب حداکثر سه نفر شامل یک نویسنده، یک کارگردان و یک تهیه‌کننده، بسادگی می‌توان به جای ۱۰ فیلمنامه تا پایان سال ۹۹، که بلندپروازانه است و بی‌حاصل، به سه تا پنج فیلم اقباسی با کیفیت تا پایان همین سال دست یافت. گذاردن قید محدودکننده «داستان‌های ایرانی چهل سال اخیر» نه منطقی است و نه مسبوق به سابقه. در فیلمنامه‌های «هامون»، «ناخداخورشید»، «سارا»، «شب‌های روشن» و «درخت گلبنی» باوجود برداشت از متون نویسندگان خارجی (و دریک مورد داستانی که پیش از انقلاب نوشته شده) تناسب بیشتری با فرهنگ ایرانی مشاهده می‌شود. اقباس یک شیوه برای گسترش رابطه فرم و مفهوم میان ادبیات و سینماست؛ نه بهانه مضامینی که تازه باید برای انتقال شان دنبال داستان مناسب بگردیم.

بخشی از یادداشت این منتقد در اینجا



فعالیت موسیقایی در دوران خانه نشینی

در این روزهای در خانه ماندن اجباری با به تعبیر دیگر قرنطینه خانگی، من نیز مانند دیگر مردمان شهرم و هنرمندان حوزه‌های مختلف هنری در قرنطینه خانگی به سر می‌برم و البته این مدت زمان فرصت خوبی به من داد تا بتوانم به کارهای نیمه تمام خود بیشتر بپردازم. به‌عنوان مثال مشغول نوشتن اپرایی بودم که سرانجام به پایان رسید. همچنین دو قطعه موسیقی برای گروه «خیاگران مهر» تنظیم کردم که اجرا و در فضای مجازی هم منتشر شد. سه قطعه هم برای آواز و ارکستر نوشته‌ام و دیگر، تمرینات شخصی و سازی است و انجام مطالعه که خدا را شکر نتیجه خوبی هم داشت. ناگفته نماند فعالیت اغلب آهنگسازان بیشتر در خانه انجام می‌گیرد و همان‌طور که اشاره کردم این روزهای خانه نشینی فرصتی شد تا بیشتر به خودمان بپردازیم و کارهای نیمه تمامی را که در موسیقی داشتیم بتوانیم انجام دهیم.

اما در مورد اینکه سؤال می‌شود چرا در این روزهای سخت و شیوع ویروس کرونا، حوزه موسیقی کمتر به این موضوع پرداخته است باید بگویم آهنگساز هم می‌تواند مانند دیگر حوزه‌های هنری به خلق تصویرو نقاشی یا ساخت مستند سینمایی یا سرودن شعر و ترانه‌ای بپردازد اما ارائه یک اثر موسیقی متفاوت با دیگر بخش‌های هنری است. تولید یک اثر موسیقی ناگزیر از حضور ارکستر و نوازندگان است و مسأله این است که با وجود این شرایط و رعایت فاصله اجتماعی این کارها چگونه و در کجا باید اجرا شود؟! آیا با وجود این شرایط و رعایت پروتکل‌های بهداشتی امکان ضبط این آثار در استودیو وجود دارد؟ یک اثر ارکسترال نیازمند حضور

ترجمه‌ای از انسان

پیرمرد و دریا نسخه‌ای برای کرونا

انسان، هم‌راز مصائبی خودآفریده است که یا بر آنها غلب می‌شود و خود را «اسطوره» می‌نامد یا مغلوب می‌شود و از فرط ناامنی، سپر مظلومیت به دست می‌گیرد و نواهریمنی را مظهر می‌پندارد. جهل انسان، استخوانی شکسته در زخم‌هاوراهریمنی است و چشم دبیزرو و امروز به دود همین جهل و جدال رنجیده است و چندان که باید منظر مطلوبی پیش رو نداشته است. این درد توانسته است دستمایه داستان‌های دور و نزدیکی باشد که انسان رنجور از خویش را روایت کرده‌اند و ترس موروثی اش را یادآور شده‌اند. «پیرمرد و دریا» پرونده‌انسان به ظاهر پیش مغلوبی است که در تنهایی، با تردیدهایش می‌جنگد. آزمون‌جوی لجویی که سرنوشتر را به مبارزه می‌طلبد و هیچ در این نبرد، چشم از واقعیات نچرخانده است. پیرمردی که به تجربه می‌داند نباید توان سربلند بیرون آمدن از یک تصمیم، به مرارت‌های مریگاری بینجامد اما پیروزی اونه فقط پیروزی او که برچیده شدن باورهای ابلهانه‌ای که منتهی‌الیه بودن‌شان، ترس و تسلیم است، پیروزی همه صیادانی است که ناگزیرند او را بدطالع و نگونبخت به حساب آورند. «سانتیگو» در کلبه خود «سالانو» نام گرفته بود؛ عمیق‌ترین تعریف بدقابلی و بدبیباری اما همینگی با «شاد و شکست‌نخورده خواندن چشم‌هایش که به رنگ دریایند» او را چنان که «هست» به دریا می‌برد و چنان که «باید» از دریا برمی‌گرداند. «تجف دربراندی» این بخت را داشته است که مترجم پیرمرد و دریا باشد. جنوبی‌مردی سرد و گرم چسبیده که خوب به احوال دریا واقف و آدم‌های دریا را از بر است. ناخداراده‌ای که در قامت «سانتیگو»،

پیاده‌رو



امیران بهروزند شاعر

کرده‌اند و ترس موروثی اش را یادآور شده‌اند. «پیرمرد و دریا» پرونده‌انسان به ظاهر پیش مغلوبی است که در تنهایی، با تردیدهایش می‌جنگد. آزمون‌جوی لجویی که سرنوشتر را به مبارزه می‌طلبد و هیچ در این نبرد، چشم از واقعیات نچرخانده است. پیرمردی که به تجربه می‌داند نباید توان سربلند بیرون آمدن از یک تصمیم، به مرارت‌های مریگاری بینجامد اما پیروزی اونه فقط پیروزی او که برچیده شدن باورهای ابلهانه‌ای که منتهی‌الیه بودن‌شان، ترس و تسلیم است، پیروزی همه صیادانی است که ناگزیرند او را بدطالع و نگونبخت به حساب آورند. «سانتیگو» در کلبه خود «سالانو» نام گرفته بود؛ عمیق‌ترین تعریف بدقابلی و بدبیباری اما همینگی با «شاد و شکست‌نخورده خواندن چشم‌هایش که به رنگ دریایند» او را چنان که «هست» به دریا می‌برد و چنان که «باید» از دریا برمی‌گرداند. «تجف دربراندی» این بخت را داشته است که مترجم پیرمرد و دریا باشد. جنوبی‌مردی سرد و گرم چسبیده که خوب به احوال دریا واقف و آدم‌های دریا را از بر است. ناخداراده‌ای که در قامت «سانتیگو»،

از ملوک تا رومینا

خانه پدری بارها توقیف شد اما قصه و غصه آن بارها تکرار شد و می‌شود. آخرینش قصه هولناک و ترازیک رومینا اشرفی! آگاهی فیلم‌ها به مثابه متن در قاب تصویر پرده سینما به نمایش درمی‌آیند اما واقعیت آن در فراست‌های اجتماعی محقق می‌شوند چه بسا تلخ‌تر و عریان‌تر! اگرچه قصه خانه پدری کبانوش عیار می‌برم برگرفته از واقعیتی در دهه ۵۰ بود. اکنون در آخرین سال دهه ۹۰ که سال پایانی یک قرن را می‌گذرانیم، قصه‌ای شبیه به آن رخ داده!

قصه‌ای که تراژدی جهالت و تعصب علیه زنان و دختران این سرزمین را از ملوک تا رومینا روایت می‌کند. کربلایی حسن پدر ملوک با سنگ بر سر دخترش می‌کوبد و کربلایی رضا با داس سر دخترش را می‌برد. شباهت این اتفاق بار دیگر فیلم خانه پدری را در کانون توجه قرار داد و به خواوش دوباره آن انجامید! خواوشی که ازمن قصه تا توقیف فیلم را دربرمی‌گرفت و نسبت میان قصه فیلم و توقیف آن به تاملی دوباره فراخوانده شد. جالب اینکه در جامعه دو قطبی و پیراآدوکس ما این خواوش هم با روایت‌های دوگانه مواجه شد. عده‌ای می‌گفتند اگر پدر رومینا اشرفی «خانه پدری» را دیده بود شاید پیامش را دریافت می‌کرد و بر خشم و تعصب خود غلب می‌شد و این جنایت رخ نمی‌داد و عده‌ای هم که البته عجیب است معتقد بودند شاید تولید و نمایش فیلم‌هایی مثل «خانه پدری» به ترویج خشونت خانگی و قتل ناموسی منجر شده. در این میان البته به فیلم‌هایی هم مثل

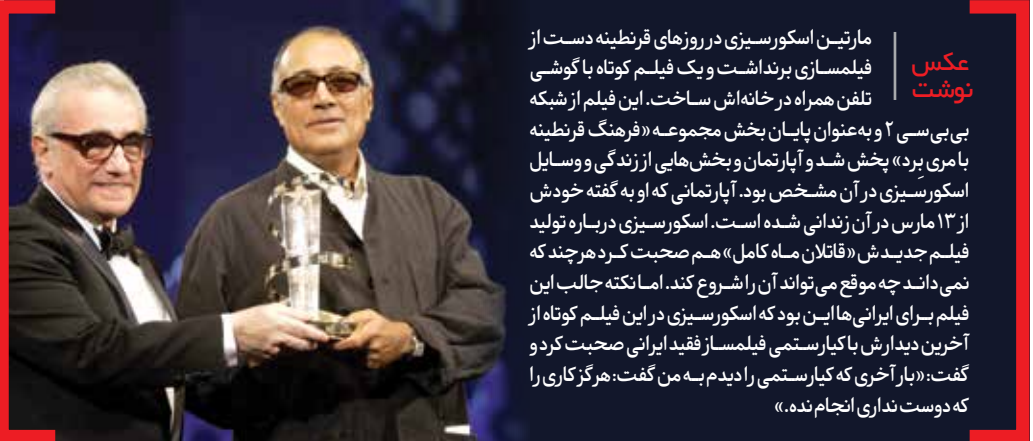
حرف روز



رضا صامیمی روزنامه‌نگار

قصه‌ای که تراژدی جهالت و تعصب علیه زنان و دختران این سرزمین را از ملوک تا رومینا روایت می‌کند. کربلایی حسن پدر ملوک با سنگ بر سر دخترش می‌کوبد و کربلایی رضا با داس سر دخترش را می‌برد. شباهت این اتفاق بار دیگر فیلم خانه پدری را در کانون توجه قرار داد و به خواوش دوباره آن انجامید! خواوشی که ازمن قصه تا توقیف فیلم را دربرمی‌گرفت و نسبت میان قصه فیلم و توقیف آن به تاملی دوباره فراخوانده شد. جالب اینکه در جامعه دو قطبی و پیراآدوکس ما این خواوش هم با روایت‌های دوگانه مواجه شد. عده‌ای می‌گفتند اگر پدر رومینا اشرفی «خانه پدری» را دیده بود شاید پیامش را دریافت می‌کرد و بر خشم و تعصب خود غلب می‌شد و این جنایت رخ نمی‌داد و عده‌ای هم که البته عجیب است معتقد بودند شاید تولید و نمایش فیلم‌هایی مثل «خانه پدری» به ترویج خشونت خانگی و قتل ناموسی منجر شده. در این میان البته به فیلم‌هایی هم مثل

مارتین اسکورسیزی در روزهای قرنطینه دست از فیلمسازی برنداشت و یک فیلم کوتاه با گوشتی تلفن همراه در خانه‌اش ساخت. این فیلم از شبکه بی‌بی‌سی ۲ و به‌عنوان پایان بخش مجموعه «فرهنگ قرنطینه بامری برد» بخش شد و آپارتمان و بخش‌هایی از زندگی ووسایل اسکورسیزی در آن مشخص بود. آپارتمانی که او به گفته خودش از ۱۳ مارس در آن زندانی شده است. اسکورسیزی درباره تولید فیلم جدیدش «قاتلان ساه کامل» هم صحبت کردهرچند که نمی‌داند چه موقع می‌تواند آن را شروع کند. اما نکته جالب این فیلم برای ایرانی‌ها این بود که اسکورسیزی در این فیلم کوتاه از آخرین دیدارش با یکارستمی فیلمساز فقید ایرانی صحبت کرد و گفت: «بار آخری که یکارستمی را دیدم به من گفت: هرگز کاری را که دوست نداری انجام‌ده،»



عکس نوشت

تلفن همراه در خانه‌اش ساخت. این فیلم از شبکه بی‌بی‌سی ۲ و به‌عنوان پایان بخش مجموعه «فرهنگ قرنطینه بامری برد» بخش شد و آپارتمان و بخش‌هایی از زندگی ووسایل اسکورسیزی در آن مشخص بود. آپارتمانی که او به گفته خودش از ۱۳ مارس در آن زندانی شده است. اسکورسیزی درباره تولید فیلم جدیدش «قاتلان ساه کامل» هم صحبت کردهرچند که نمی‌داند چه موقع می‌تواند آن را شروع کند. اما نکته جالب این فیلم برای ایرانی‌ها این بود که اسکورسیزی در این فیلم کوتاه از آخرین دیدارش با یکارستمی فیلمساز فقید ایرانی صحبت کرد و گفت: «بار آخری که یکارستمی را دیدم به من گفت: هرگز کاری را که دوست نداری انجام‌ده،»



در این زندگی طولانی‌ام اگر چیزی آموخته باشم این است که: مادر عشق می‌بایم که کسی باشیم و در جنگ می‌فهمیم چه کسی هستیم.



بیل کریستین هانا

هنر و فرهنگ

طیبان زخم‌های جامعه در روزهای سخت

در مورد شرایط اقتصاد هنر در ایام قرنطینه و شرایطی که به‌وجود آمده است، به‌نظر می‌رسد که از دو منظر می‌توان به این موضوع نگاه کرد. یکی از نظر زمانی و دیگری از منظر رویکردی. منظر زمانی به این معناست که در این شرایط خاصی که در تاریخ بسیار نادر بوده است و گریبانگیر جهان هم شده یک محدودیت زمانی وجود دارد. یعنی چند ماهی طول کشیده

و از نظر ضوابط و نکات بهداشتی و اجتماعی که دولت‌ها گذاشتند، تغییراتی در زندگی به‌وجود آورده و در آینده نیز تغییرات دیگری اتفاق خواهد افتاد. اینکه این شرایط به‌کجا و کی ختم خواهد شد فعلاً کسی جوابی برای آن ندارد ولی آنچه مسلم است به هر حال انتهایی برای این شرایط ویژه قرنطینه وجود خواهد داشت.

در این ایام البته تمام مشاغل، حرف و تخصص‌ها در جامعه بشری دچار تنش‌ها و تغییراتی شده‌اند. بسیاری از روال رایج زندگی بخصوص فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی مختل شده است. این مسأله گریبان جامعه هنری را هم گرفت. هنرمندان هم سعی کردند که خود را با شرایط موجود تطبیق دهند و با خلق آثارشان به فعالیت اقتصادی ادامه دهند. اینکه آن‌دو منظر باید به این ماجرا نگاه کرد از این جهت اهمیت دارد که یک شرایط زمانی مقطعی است که نمی‌دانیم چقدر طول می‌کشد و بعد از این شرایط است که مطمئناً بسیاری از فاکتورها و پارامترهای اقتصادی در همه رشته‌ها و حرف تغییر خواهد کرد و بالطبع شامل هنر و هنرمندان هم خواهد شد. البته بخشی از این نظری که بیان کردم در این مدت مشاهده شده است.

اما بحث رویکردی مهم‌تر از منظر زمانی است. قطعاً نگاه جامعه بشری به پدیده‌ها، زندگی و فعالیت‌های زیستی و حرفه‌ای و... تغییر می‌کند، همان‌طور که در مورد شرایط اقتصادی هنرمندان در این ایام راه حل‌های مختلفی پیدا کردند و سعی کردند خودشان را تطبیق دهند، از نظر رویکردی نیز بسیاری از پارامترها تغییر خواهد کرد. به این معنا که ابزار و روش‌های ارائه آثار و خلق اثر و همچنین روش ارتباط با مردم تغییر خواهد کرد.

این یک موضوع رویکردی و کارکردی در دنیای هنر است. در این مورد هم تجربه‌هایی در این ایام شده است. استفاده از تکنولوژی‌های جدید وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی و... و تکنیک‌ها و راهکارهای جدیدی از پیش روی هنرمندان قرار داده است. این موضوع جدی‌تر و حائزاهمیت‌تر است که در آینده بعد از اتمام شرایط ویژه، رویکرد حرفه‌ای و اجرایی و تولیدی هنر و هنرمندان دچار پارادایم‌های جدید می‌شود و باید منتظر ماند و دید که کل مجموعه فعالیت‌های انسانی و اجتماعی بعد از این شرایط به چه سمتی خواهد رفت.

در مورد آموزش هنری روش‌های جدید آموزش از راه دور و تجربه‌های جدید می‌تواند راهگشا باشد و این تجربه را در این ایام به‌صورت خودجوش در کل دنیا دیدیم. بنابر این هنرمندان اول باید به این موضوع از چه جنبه‌ای که مطرح کردم توجه کنند و در مورد کارهایشان برنامه‌ریزی کنند. اگر به‌صورت انفعالی برخورد کنند، قطعاً در آینده با توجه به تغییرات حاصله دچار بازماندگی و سردرگمی می‌شوند و از قافله حرکت‌های اقتصادی جدید محروم خواهند ماند و همچنین باید به‌صورت هوشمندانه به تولید راه حل‌های جدید و منطبق با نیازهای امروز بپردازند. از طرف دیگر دو‌عنصر در این قضیه دخیل هستند. یکی مخاطبان و مردم هستند؛ که باید به این درک و استنباط جدید برسند. روش‌های دریافت با بهره‌گیری از هنر و هنرمندان تغییر کرده و تغییر خواهد کرد و روش‌های جدیدی ارائه خواهد شد. با همان ارزش و کیفیت. بنابر این مردم می‌توانند از نظر ارزشگذاری اقتصادی برای خرید اثر هنری هزینه کنند. مثلاً به این نتیجه رسیدیم که در این ایام بسیاری از کنسرت‌ها را از طریق فضای مجازی بشنویم، یعنی مردم خودشان را آماده کنند و این هزینه‌ها را بپردازند به‌عنوان استفاده یا مشارکت در خرید آثار هنری.

باید دید که در آینده چه راه‌هایی به نتیجه می‌رسد و مردم دید به روش‌های جدید هنر‌های و مشارکت کنند. عنصر دوم این ماجرا دولت‌ها و ارگان‌های رسمی و حکومتی است. آنها هم باید از نظر لجستیک و زمینه سازی‌های فنی، قابلیت‌ها و تحولات را هر چه زودتر فراهم کنند و بداند که در همه جای دنیا هنر و فرهنگ اولین قربانی تنش‌ها یا تحولات و مشکلات اقتصادی یک جامعه است. در عین حال اولین پشتوانه روحی، روانی و احساسی یک جامعه در دوران بحران و شرایط سخت هم، هنر هنرمندان هستند بنابر این باید در دورانی مثل دوران حاضر کمک‌های ویژه برای جامعه هنری در نظر بگیرند. کمک‌ها نه به‌عنوان اعانه و یارانه بلکه به خاطر اینکه هنر و هنرمندان در شرایط دشوار انسانی روح مقاومت، امید و زندگی را در جامعه تزریق می‌کنند. بنابر این از طریق پرداخت این دستمزد و دسترنج با آنها همکاری شود و همین‌طور برای جامعه و مردم شرایط و امکاناتی فراهم کنند تا از این محصولات فرهنگی و هنری و آثاراستفاده کنند و بتوانند شرایط سختی مثل دوران قرنطینه را تحمل و پشت سر بگذارند. فراموش نکنیم فرهنگ و هنر روح و جان یک جامعه است. اگر که به هر دلیلی جسم یک جامعه آسیب دیده و دچار سختی و بیماری شود اول باید به جان آن جامعه رسیدگی کرد تا سیراب شود و بتواند آن سختی را پشت سر بگذارد. هنرمندان خالق این جان و حافظ آن هستند. به این وسیله می‌توان یک جامعه زخم‌خورده را بازسازی کرد و به تندرستی رساند.

یادداشت



بهمن پناهی پژوهشگر و خوشنویس

و از نظر ضوابط و نکات بهداشتی و اجتماعی که دولت‌ها گذاشتند، تغییراتی در زندگی به‌وجود آورده و در آینده نیز تغییرات دیگری اتفاق خواهد افتاد. اینکه این شرایط به‌کجا و کی ختم خواهد شد فعلاً کسی جوابی برای آن ندارد ولی آنچه مسلم است به هر حال انتهایی برای این شرایط ویژه قرنطینه وجود خواهد داشت.

در این ایام البته تمام مشاغل، حرف و تخصص‌ها در جامعه بشری دچار تنش‌ها و تغییراتی شده‌اند. بسیاری از روال رایج زندگی بخصوص فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی مختل شده است. این مسأله گریبان جامعه هنری را هم گرفت. هنرمندان هم سعی کردند که خود را با شرایط موجود تطبیق دهند و با خلق آثارشان به فعالیت اقتصادی ادامه دهند. اینکه آن‌دو منظر باید به این ماجرا نگاه کرد از این جهت اهمیت دارد که یک شرایط زمانی مقطعی است که نمی‌دانیم چقدر طول می‌کشد و بعد از این شرایط است که مطمئناً بسیاری از فاکتورها و پارامترهای اقتصادی در همه رشته‌ها و حرف تغییر خواهد کرد و بالطبع شامل هنر و هنرمندان هم خواهد شد. البته بخشی از این نظری که بیان کردم در این مدت مشاهده شده است.

نگاه جامعه بشری به پدیده‌ها، زندگی و فعالیت‌های زیستی و حرفه‌ای و... تغییر می‌کند، همان‌طور که در مورد شرایط اقتصادی هنرمندان در این ایام راه حل‌های مختلفی پیدا کردند و سعی کردند خودشان را تطبیق دهند، از نظر رویکردی نیز بسیاری از پارامترها تغییر خواهد کرد. به این معنا که ابزار و روش‌های ارائه آثار و خلق اثر و همچنین روش ارتباط با مردم تغییر خواهد کرد.

این یک موضوع رویکردی و کارکردی در دنیای هنر است. در این مورد هم تجربه‌هایی در این ایام شده است. استفاده از تکنولوژی‌های جدید وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی و... و تکنیک‌ها و راهکارهای جدیدی از پیش روی هنرمندان قرار داده است. این موضوع جدی‌تر و حائزاهمیت‌تر است که در آینده بعد از اتمام شرایط ویژه، رویکرد حرفه‌ای و اجرایی و تولیدی هنر و هنرمندان دچار پارادایم‌های جدید می‌شود و باید منتظر ماند و دید که کل مجموعه فعالیت‌های انسانی و اجتماعی بعد از این شرایط به چه سمتی خواهد رفت.

در مورد آموزش هنری روش‌های جدید آموزش از راه دور و تجربه‌های جدید می‌تواند راهگشا باشد و این تجربه را در این ایام به‌صورت خودجوش در کل دنیا دیدیم. بنابر این هنرمندان اول باید به این موضوع از چه جنبه‌ای که مطرح کردم توجه کنند و در مورد کارهایشان برنامه‌ریزی کنند. اگر به‌صورت انفعالی برخورد کنند، قطعاً در آینده با توجه به تغییرات حاصله دچار بازماندگی و سردرگمی می‌شوند و از قافله حرکت‌های اقتصادی جدید محروم خواهند ماند و همچنین باید به‌صورت هوشمندانه به تولید راه حل‌های جدید و منطبق با نیازهای امروز بپردازند. از طرف دیگر دو‌عنصر در این قضیه دخیل هستند. یکی مخاطبان و مردم هستند؛ که باید به این درک و استنباط جدید برسند. روش‌های دریافت با بهره‌گیری از هنر و هنرمندان تغییر کرده و تغییر خواهد کرد و روش‌های جدیدی ارائه خواهد شد. با همان ارزش و کیفیت. بنابر این مردم می‌توانند از نظر ارزشگذاری اقتصادی برای خرید اثر هنری هزینه کنند. مثلاً به این نتیجه رسیدیم که در این ایام بسیاری از کنسرت‌ها را از طریق فضای مجازی بشنویم، یعنی مردم خودشان را آماده کنند و این هزینه‌ها را بپردازند به‌عنوان استفاده یا مشارکت در خرید آثار هنری.

باید دید که در آینده چه راه‌هایی به نتیجه می‌رسد و مردم دید به روش‌های جدید هنر‌های و مشارکت کنند. عنصر دوم این ماجرا دولت‌ها و ارگان‌های رسمی و حکومتی است. آنها هم باید از نظر لجستیک و زمینه سازی‌های فنی، قابلیت‌ها و تحولات را هر چه زودتر فراهم کنند و بداند که در همه جای دنیا هنر و فرهنگ اولین قربانی تنش‌ها یا تحولات و مشکلات اقتصادی یک جامعه است. در عین حال اولین پشتوانه روحی، روانی و احساسی یک جامعه در دوران بحران و شرایط سخت هم، هنر هنرمندان هستند بنابر این باید در دورانی مثل دوران حاضر کمک‌های ویژه برای جامعه هنری در نظر بگیرند. کمک‌ها نه به‌عنوان اعانه و یارانه بلکه به خاطر اینکه هنر و هنرمندان در شرایط دشوار انسانی روح مقاومت، امید و زندگی را در جامعه تزریق می‌کنند. بنابر این از طریق پرداخت این دستمزد و دسترنج با آنها همکاری شود و همین‌طور برای جامعه و مردم شرایط و امکاناتی فراهم کنند تا از این محصولات فرهنگی و هنری و آثاراستفاده کنند و بتوانند شرایط سختی مثل دوران قرنطینه را تحمل و پشت سر بگذارند. فراموش نکنیم فرهنگ و هنر روح و جان یک جامعه است. اگر که به هر دلیلی جسم یک جامعه آسیب دیده و دچار سختی و بیماری شود اول باید به جان آن جامعه رسیدگی کرد تا سیراب شود و بتواند آن سختی را پشت سر بگذارد. هنرمندان خالق این جان و حافظ آن هستند. به این وسیله می‌توان یک جامعه زخم‌خورده را بازسازی کرد و به تندرستی رساند.